

دراسة في حرف «أو»

و، بر اساس مذهب جمهور نحویان و آنچه در متن گران سنگ «الجنی الدانی» آمده است، حرف عطفی است که اصالتاً برای افاده معنای «لأحد الشئین أو الأشياء» وضع شده است. اگرچه ابن مالک قائل به اشتراک در معنا و اعراب است، اما حقیقت آن است که این حرف در معانی هشت گانه زیر در کلام فصحا تجلی می یابد:

معانی ثابتة در سیاق کلام

- الشک: مانند «قام زید أو عمرو» (تردید متکلم).
- الإبهام: مانند «وإنا أو إياكم لعلی هدی» (تردید در ذهن شنونده).
- التخییر: در جایی که جمع بین دو مورد جایز نیست.
- الإباحة: در جایی که جمع بین دو مورد جایز است.
- التقسیم (التفصیل): بیان اجزای یک کل.
- الإضراب: به معنای «بل» که در آیاتی چون «أویزیدون» مورد بحث است.

نکته علمی: فرق میان تخییر و اباحه در «جواز جمع» نهفته است. در تخییر، انتخاب یکی، دیگری را نفی می کند، اما در اباحه، انتخاب هر دو بلامانع است.

صفحه ۱ | از کتاب الجنی الدانی فی حروف المعانی

مقام عطف به معنای «واو»

یکی از ظریف ترین مباحث در الجنی الدانی، آمدن «أو» به معنای «واو» (جمع) یا «ولا» (در نفی) است. این خروج از معنای اصلی، نیازمند قرینه است.

ملاک تمییز (چگونه تشخیص دهیم؟):

هرگاه «أو» در کلامی بیاید که حمل آن بر معنای «تردید» یا «تخییر» موجب فساد در معنا شود، به معنای «واو» برگردانده می شود. مثلاً در نهی «ولا تطع منهم آثماً أو كفوراً» ، عقل و شرع حکم می کنند که هر دو صفت مورد نهی هستند، لذا «أو» در اینجا برای استغراق و جمع است.

علت بلاغی (چرا از «واو» استفاده نشد؟)

این بخش ناظر به معنای اصلی «أو» (احد الشیئین) است. چرا فصیح برای بیان «هر دو»، از حرفی استفاده می‌کند که برای «یکی» است؟

۱. استقلال در حکم: اگر از «واو» استفاده می‌شد، توهّم می‌رفت که حکم برای «مجموع» آن‌هاست. اما «أو» با حفظ ماهیت فردی خود، می‌گوید: این یکی مستقلاً ممنوع است، و آن یکی هم مستقلاً ممنوع است. یعنی هر کدام به تنهایی برای اجرای حکم کافی هستند.

۲. تأکید بر شمول: در مقام نفی، «أو» دایره را تنگ‌تر می‌کند تا هیچ راه فراری نباشد؛ یعنی حتی یکی از این دو را هم انتخاب نکن، چه برسد به هر دو. این از نظر بلاغی، از «واو» که صرفاً عطف جمعی است، قوی‌تر است.